

## نظیره‌های کردی خمسه‌ی نظامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۸

سیاوش مرشدی<sup>۱</sup>

دکترای زبان و ادبیات فارسی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد گرگان، مرکز گمیشان

### چکیده

شاعران کرد نظیره‌هایی از مثنویهای نظامی (پنج گنج) سروده‌اند. ایشان در میان آثار نظامی بیش از همه به خسرو و شیرین نظر داشته‌اند؛ به گونه‌ای که از میان ۱۱ نظیره معرفی شده در این مقاله، ۶ مورد، نظیره‌ی خسرو و شیرین محسوب می‌شود. نظیره‌ی سرایان خسرو و شیرین به زبان کردی، علاوه بر تأثر از خسرو و شیرین نظامی، از منابع شفاهی یا کتبی محلی خویش تأثیر پذیرفته‌اند. در این مقاله به معرفی این نظیره‌ها پرداخته شده است و در مواردی، به موارد اختلاف این نظیره‌ها با خسرو و شیرین نظامی بیان شده است. شاعران کرد بیش از همه‌ی مثنویهای نظامی به خسرو و شیرین توجه داشته‌اند؛ چنانکه لیلی و مجنون، اسکندرنامه و نظیره‌های دیگر نظامی کمیابند؛ در حالی که خسرو و شیرین‌ها (شیرین و فرهاد)‌های کردی یا منتشر شده یا نسخه‌های خطی آن در کتابخانه‌های ایران و دیگر کشورهای جهان موجود است. از سوی دیگر بیشتر نظیره‌های کردی‌ای که در این مقاله معرفی شده به غیر از مَم‌آلان که احمد خانی آن داستان را از مثنویهای نظامی اقتباس نکرده بلکه تنها وزن لیلی و مجنون نظامی را به کار برده است و ساقی‌نامه‌ی همین شاعر بر اوزان غیر عروضی (اوزن هجایی) سروده شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: نظیره‌سازی، نظامی گنجوی، نظیره‌های کردی، خسرو و شیرین، وزن هجایی.

## ۱- مقدمه

در ادبیات ایران زمین، مثنویهای نظامی مورد اقبال شاعران خواه به زبان فارسی، خواه ترکی و خواه کردی قرار گرفته است. این مسئله در ادبیات سرزمینهای همسایه نیز صدق می‌کند (در زبانهای فارسی، ترکی، اردو، کردی و...). در زبان کردی، هرچند به اندازه‌ی زبانهای فارسی و ترکی نظیره نداریم، ولی شاعران کرد نیز به این اقدام دست زدند و از این میان، بیشتر به خسرو و شیرین توجه داشته‌اند، به ویژه شاعران گویشهای جنوبی کردی که مسلماً علاوه بر روایت نظامی از مجموعه‌ی روایت‌های عامیانه آگاه بوده‌اند؛ به ویژه در کرمانشاه و به طور خاص در بیستون در شرق کرمانشاه و قصر شیرین که کاخ شیرین بوده، در غرب این استان که زادگاه، جای زندگی، عاشقی و مرگ فرهاد تصور می‌شده و این اندیشه هنوز هم به قوت خود باقی است. دلیل دیگری که باعث توجه سراینده‌گان کرد به مثنویهای نظامی است جدا از دلیل اصلی آن؛ یعنی: شاهکار بودن مثنویهای نظامی و پیشرو بودن نظامی‌گرد بودن مادر نظامی است که در چند جا به آن اشاره کرده است. برخی از نویسندگان پدر نظامی را نیز از تبار کرد دانسته‌اند، ولی دلیل قابل اتکایی برای اثبات این موضوع نداریم، چرا که نظامی به هیچ وجه به کرد بودن پدر خود اشاره نکرده است و اگر پدر او نیز کرد بود حتماً به این مسئله اشاره می‌کرد (زرین کوب ۱۳۸۳: ۱۵). در این مقاله به معرفی نظیره‌های کردی از داستان خسرو و شیرین نظامی می‌پردازیم و در مواردی، به موارد اختلاف این نظیره‌ها با خسرو و شیرین نظامی بیان شده است.

## ۲- بررسی نظیره‌های کردی داستان خسرو و شیرین

۱) خسرو و شیرین اثر خانای قبادی / خانای پاشا قبادی (۱۱۶۸-۱۰۸۳ ه. ق.) دربر دارنده‌ی ۵۶۰۹ بیت ده‌هجایی است که آن را در سال ۱۱۵۳ ه. ق. پس از اتمام سرایش اسکندرنامه و یوسف و زلیخا سرود (صفی زاده‌ی بورکه‌ی، ۱۳۸۰: ۴۲۲) برگردان فارسی بخش آغازین این منظومه: روز دوشنبه از ذی الحججه [ماه] حرام، سال هزار و یکصد و پنجاه و سه تمام شده بود که ناگاه... در پرده‌ی اسرار، از محل لامکان، سروش اینطور به گوشم رساند و این چنین گفت: «ای شاعر خوش‌نظم و خوش شیوه که جانشین قیسی که دیوانه‌ی لیلی بود! چه می‌شود که چون نظامی

دُر سنج با لفظ شیرین، با عشوه و ناز از وصف فرهاد و شیرین و پرویز خامه‌ی  
عنبرین را به رقص آوری؟»

به روشنی شاعر به نظامی و برخی شخصیت‌های داستانی او (قیس، لیلی، فرهاد،  
شیرین و پرویز) اشاره کرده.

در سرآغاز داستان چندین بار به نظامی و آثار او اشاره کرده:

ئینانه واتم ئه‌شرار و ئه‌برار نزامی واتن مخزن الاسرار  
(خانای قبادی، ۱۳۶۹: ۱۵)

در بیت بالا، خانای قبادی در برابر نظامی اظهار تواضع و کوچکی می‌کند و اثر  
خود را در برابر مخزن الاسرار نظامی که سراسر حکمت و اشعار نغز است «اشرار و  
ابرار» (غث و سمین) می‌خواند.

گا چۆ نزامی، گا چۆ مه‌وله‌وی مه‌هللات بۆ موشک خه‌تتات خه‌ت شیرین  
گا وینه‌ی باقی شوعه‌رای دیهله‌وی مه‌که‌رو جِه وه‌سف ختم المرسلین  
مه‌هللات بۆ موشک خه‌تتات خه‌ت شیرین مه‌که‌رو جِه وه‌سف ختم المرسلین  
(همان: ۱۷)

وینه‌ی نزامی سه‌یقل دهر زه‌ینم به سورمه‌ی دانش ره‌وشه‌ن که‌ر عه‌ینم  
(همان: ۲۰)

یعنی: چون نظامی ذهنم را صیقل بده و با سرمه‌ی دانش چشمم را روشن کن.

در جای دیگر از خدا می‌خواهد که این منظومه را «به دستور نظم نظامی تمام»  
کند (همان: ۲۱)

با خواندن این منظومه در می‌یابیم که خانای قبادی در سرایش آن، گونه‌ی  
برگردان هنری داستان خسرو و شیرین نظامی را انجام داده، و بر عکس نظیره‌ی گویان  
دیگر خسرو و شیرین به زبان کردی؛ مانند: ملا ولد خان گوران و میرزا شفیع پاوه  
یی که روایت‌های عامیانه‌ی منطقه‌ی خود را مدّ نظر قرار دادند خانای قبادی خسرو و  
شیرین نظامی را با تغییرهای جزئی به کردی گورانی کلهری به صورت منظومه‌ی  
هجایی ترجمان کرده، البته این مسئله از ارزش کار هنری سراینده نمی‌کاهد و یکی از

زیباترین نظیرهای آثار نظامی به شمار می رود.

شاعر (خانای قبادی) جلوتر اشاره می کند که این نامه را (= منظومه‌ی خسرو و شیرین) را به «دستور» (فرمان یا راه و رسم) نظامی سروده است:

بهی تهوره که رد می نامی نامی ئینشا به دهستور نه زم نیزامی

(همان: ۱/۲۵۰)

یعنی: اینطور این نامه‌ی نامی را به دستور (شیوه یا فرمان) نظامی [گنجوی]

انشا کردم.

۲) شیرین و فرهاد منظومه‌ی ای سروده‌ی ملا ولد خان گوران به زبان کردی، گویش گورانی است که آن را در سال ۱۱۵۰ ه. ق. سرود. این منظومه مانند منظومه خسرو و شیرین خانای قبادی به وزن هجایی (ده یازده هجایی) است.

یکی از زیباترین بخشهای این منظومه (البته به این مسئله باید توجه کنیم که در شیرین و فرهاد میرزا شفیع نیز مشابه بیت‌های این بخش وجود دارد)، زمانی است که فرهاد پس از اینکه پیرزن به دروغ خبر مرگ شیرین را می دهد، خود را کشته است و شیرین بالای سر جنازه‌ی فرهاد می رود و این سخنان شورانگیز و غم افزا را در آنجا می گوید:

دهم نیا نه جای زام سه‌خته‌وه	دهم نیا وه زام قوله‌نگ تیشه‌وه
ساتی ته‌واسا بی وه‌نه‌قش سه‌نگ	دی فرهاد وهی رهنگ
پرووی فرهاد مالاً وه پرووی ویشه‌وه	یه‌ک سیاخالئی نه پرووی غه‌بغه‌وه داشت
شیوه‌ی دانه‌ی لال باهووی خه‌سره‌وه داشت	دهس برد پهری زه‌نج زه‌نخدان زه‌رد
هورش که‌ند جه بیخ فیروزه‌بی گه‌رد	واتش: «ته‌ر زینه‌ت جام جه‌مینهن
ئه‌ی خالّه هونی شازاده‌ی چینهن	سه‌رت هورداره ته‌من شیرینم
وه سه‌ودای زامت دل ناگرینم	جه دم‌ای فرهاد وهی چین حالّم
کی زانو قیمه‌ت خالان لالم؟	پهری کی بدهم ته‌رتیب خالان؟
کی پیم بیوشو به‌رگ عه‌بدالان؟	من که فرهاد دیم نه گیژاو خوون
خه‌سره‌وم به ته‌ون! ته‌خت و به‌خت به ته‌ون!»	به‌ی تور په‌ی فرهاد شین و زاری که‌رد
ده‌رد و مه‌ینه‌تش جه دل کاری که‌رد	پرشنگ هوننا و سورخ خاسه‌رنگ
سه‌رازیر وه بان لیمووی زه‌رد رهنگ	

یه‌قه‌ی به‌قیه‌دوز پاره پاره که‌رد  
 واتش: «هی غه‌ریب! بی‌خیش و بی‌فهرد!  
 نه‌ری نه‌تیجه‌ی خاقان چینی!  
 بی‌ناو و نیشان! خه‌لتان خوونم!  
 فیدای نامت بام دل‌دار دیرین!  
 شازاده‌ی چینم! بیدادم پی تو  
 یه‌کام کافر بی‌دام نه‌راگه‌ت که‌ند؟!  
 مه‌ر تو نه‌زانی خه‌سره‌و به‌ئه‌فسوون  
 مه‌رگ په‌ی من خاسه‌ن، ها‌وراز ده‌ردم!  
 تو په‌ی من نه‌تخت شایی وه‌یه‌ردی  
 یه‌شهرت من بی‌چهنی تو فهرهاد  
 شهرت بو‌ره‌خت ویم پاره‌پلاس که‌م  
 یکی از تفاوت‌هایی که این نظیره و بسیاری از نظیره‌های کردی خسرو و شیرین با اثر ماندگار نظامی دارد، این است که در این منظومه‌ها فهرهاد شازاده‌ی چین معرفی شده که برای خاطر عشق شیرین به سنگ تراشی پرداخته است. البته به روایت نظامی از زبان شاپور- فهرهاد با او در چین سنگ تراشی می‌کردند، ولی او (شاپور) پس از مدتی نقاشی را پیشه‌ی کرده، و فهرهاد همان پیشه‌ی پیشین خود (سنگ تراشی) را ادامه داده است: «که ما هر دو به چین هم‌زاد بودیم / دو شاگرد یکی استاد بودیم چو هر مایه که بود از پیشه برداشت / قلم بر من فکند، او تیشه برداشت» (نظامی، ۱۳۸۵: ۴، ۲۱۳)

۳) خسرو و شیرین ملکه مراد ویس (شاعر سده‌ی سیزدهم) اهل ده صفی آباد از توابع جوانرود. او این منظومه‌ی خود را به شیوه‌ی خسرو و شیرین خانای قبادی/ خانای پاشای قبادی سرود که در گونه‌ی خود یکی از شاهکارهای ادبی جهان است. (صفی زاده‌ی بورکه‌ی بی، ۱۳۸۰: ۱۰۷۵)

دو بیت از این منظومه:

هه‌نی نه‌واچان وه فهرهاد رهنده‌ن نه‌قش شیرینش نه‌رووی سه‌نگ که‌نده‌ن

[دیگر نگویند فرهاد رند است / نقش شیرین را بر روی سنگ کنده است]  
 ده‌سته‌ش بریز وه‌ره جه گیان سه‌ندهن کی ئه‌لماس نه رووی دیده‌ی ویش شه‌ندهن  
 [دستانش بریزد برای کاری که کرده است / چه کسی الماس بر روی دیده‌ی خود  
 می زند؟! (همان)]

۴) شیرین و فه رهاد [= شیرین و فرهاد] سروده‌ی میرزا شفیع پاوه‌یی (۱۲۵۲  
 ۱۲۰۰ ه. ق.) از شاعران خوش ذوق کرد هورامی است. این منظومه را سید محمد  
 حسینی در انتشارات توکلی تهران در سال ۱۳۸۳ خ. در ۹۳ ص (+ دوازده صفحه  
 پیشگفتار) تصحیح و بازنویسی کرده است.

میرزا شفیع پاوه‌یی این منظومه را به زبان هورامی در وزن غیر عروضی (هجایی)  
 و ده هجایی سروده است و تعداد بیت‌های آن ۶۹۹ بیت است. خود شاعر سال سرایش  
 این منظومه را در پایان آن سال ۱۱۸۴ ه. ق. معرفی کرده است:

تاریخ گوفتار به‌نده‌ی مهینه‌ت بار هه‌زار و یه‌ک سه‌د، هه‌شتاد و چه‌هار  
 (پاوه‌یی، ۱۳۸۳: ۹۲)

شاعر در این اثر بی هیچ گمانی به خسرو و شیرین نظامی نظر داشته و با  
 موفقیت، این شاهکار نظامی را بازسرایی و برگردان کرده است. (پاوه‌یی، ۱۳۸۳:  
 دو) علاوه بر این، فرهنگ عامه‌ی کردی نیز در روایت این داستان تأثیر گذار بوده  
 است (همان، دو). باید توجه داشت که میرزا شفیع پاوه‌یی در این منظومه بیشتر به  
 روایت‌های عامیانه‌ی فرهاد و شیرین در منطقه‌ی غرب ایران (هورامانات) توجه داشته  
 و شخصیت محوری در داستان او فرهاد است که تا نیمه‌ی داستان (تا حدود بیت  
 ۳۲۵) بیشترین نقش را در شکل‌گیری داستان دارد و با خودکشی فرهاد این بخش  
 به پایان می‌رسد. نکته‌ی جالب اینجاست که پس از اینکه فرهاد خودش را با کلنگ  
 ده منی می‌کشد، از خون او که از تیشه‌اش سرازیر شده، درخت اناری روید که  
 چندین سال میوه می‌داد و بیماران را شفا می‌بخشید. این روایت به روایت کشته  
 شدن سیاوش شبیه است که از خون او گیاه خون سیاوشان می‌روید (فردوسی،  
 ۱۳۸۲: ۱۵۲/۳، ح. ۲۰)

منظومه با این بیت آغاز می‌شود:

رؤزگارگان داد، رؤزگارگان داد، ویم پهی ویه‌ردهی رؤزگارگان داد  
(همان: ۳)

شاعر علاوه بر زبان کردی، به فارسی نیز شعر گفته (همان، ده)  
این منظومه‌ی میرزا شفیع پاوه‌یی را بسیاری از مردم دوست داشتند، و یکی از نشانه‌های این مسئله شایع بودن و مثل شدن مصراعها و بیت‌هایی از آن در زبان مردم کرد ایران و به احتمال زیاد، آن سوی مرز است و این نشانه‌ی موفقیت شاعر و نفوذ او در بین مردم بوده است.

(۵) شیرین و فرهاد اثر میرزا الماس خان کندوله‌ای (د. ۱۲۰۰/۱۱۹۰ هـ. ق. .)، از سرداران نادر شاه. او این منظومه را در وزن هجایی (ده هجایی) سروده است.  
در این منظومه روایتها و بخشهایی وجود دارد که با خسرو و شیرین نظامی مغایرت دارد؛ مانند: «عاشق شدن شیرین به فرهاد و فرستادن شاپور از پی ایشان» (کندوله‌یی، ۱، ۱۳۷۳، ۵۲)، «آوردن شاپور فرهاد را به خدمت شیرین» (همان، ۵۵)، «جواب دادن فرهاد در خدمت شیرین» (۵۷)، «صورت خود نشان دادن شیرین به فرهاد»، «نصیحت نمودن شیرین به شاپور و سپردن فرهاد به شاپور: (۶۱)، «آمدن عیاران غغفور به وستان [= طاق بستان] و پیدا نمودن فرهاد و شاپور» (۶۲)، «آمدن ایلخچیان فرهاد و چگونگی آن» (۶۳)، «اظهار عاشق شدن شیرین به فرهاد نزد خسرو» (۶۶)، «گفتگو [ی]... فرهاد با کوه بیستون» (۷۴)، «جواب دادن کوه بیستون فرهاد را» (۷۵)، «گفتگو نمودن فرهاد با قلنگ [= کلنگ]» (۷۷)، «جواب دادن قلنگ فرهاد را» (۷۸)، «تدارک دیدن شیرین به سرکشی فرهاد» (۸۱)، «آمدن شیرین در پای کوه بیستون به دیدن فرهاد» (۸۵)، «بنا به عیش نوش گذاشتن شیرین و فرهاد» (۹۴)، «بیدار شدن گرا از خواب و سر راه گرفتن بر فرهاد و شیرین» (۹۸)، «شناختن گرا شیرین و فرهاد را و دعوا نمودن او» (۱۰۲) «گفتگو [ی]... شیرین با گرای سیاه‌رنگ» (۱۰۹)، «روانه شدن فرهاد به قصر شیرین» (۱۱۴)، «آمدن اغیار به خدمت خسرو در باب فرهاد» (۱۱۶) «خواب دیدن فرهاد خود را در میان خاک و خون» (۱۳۵)، «آمدن شیرین بر سر نعش فرهاد» (۱۳۹) «وفات نمودن فرهاد و زاری کردن شیرین بر سر نعش او» (۱۴۲)، «قبر کردن شاپور برای فرهاد» (۱۴۴)، «اراده‌ی عازم شدن شاپور برای شهر چین» (۱۴۵)، «حکایت شیرین در نزد خسرو»

و دعوا نمودن» (۱۴۷)، «رسیدن شاپور به شهر چین و خبر دادن فوت فرهاد به فغفور [و بیان جزئیات حادثه]» (۱۴۹).

یکی از دیگر از تفاوت‌های این منظومه با خسرو و شیرین نظامی، مهلت دادن چهل روزه به شیرین برای ازدواج پس از کشتن خسرو است (همان، ۱۹۹) که به این صورت در خسرو و شیرین نظامی نیامده است. تفاوت دیگر، در بخش «رفتن شیرو از عشق شیرین به کوه و قصد خود نمودن [= خودکوشی] در تاش کوه» (۲۳۲) است و اینکه شیرو خودش را می‌کشد که این روایت نیز در نظامی نیامده است.

۶) شیرین و فرهاد از شاعری که گویا نامش «الماس» است که در پایان منظومه به نام خود اشاره کرده است.. این منظومه را به زبان کردی، به یکی از گویشهای جنوبی سروده است. وزن این منظومه هجایی (ده هجایی) است. نسخه ای از آن در کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (به شماره‌ی ۴۷۷۲) موجود است و نسخه ای دیگر از همین منظومه با شماره‌ی ۵۸۰ در کتابخانه‌ی مجلس موجود است که ۱۱۰ برگ دارد. نسخه‌ی دانشگاه تهران که بر خلاف نسخه‌ی کتابخانه‌ی مجلس آغازش حذف نشده با این بیتها آغاز می‌شود:

که‌ریم کارساز، کار به دست آسان شاه ره‌زای شهریف، ره‌بهر شناسان  
ببهر عشق مونشی عاشقان بی‌ش دلدار در دین، دهر ویش دل‌پیش

و با این بیتها پایان می‌پذیرد:

ره‌نجمان مه‌دهن دیاد با جوش «ئه‌لماس» ژه خاتر مه‌که‌ر فراموش  
یه واته «ئه‌لماس» دهر دَل نه بار بی شادی شه‌وان یاوهران یار  
هه‌زاران درود هه‌زاران سه‌لام «ز ما بر محمد علیه السلام»  
نسخه‌ی دانشگاه تهران به نستعلیق شکسته کتابت شده و بسیاری از بیتها ناخوانا است، به ویژه که افسوس، مرکب برخی از بیتها مغشوش گشته، اما نسخه‌ی متعلق به کتابخانه‌ی مجلس (شماره‌ی ۵۸۰) بسیار خوانا و به خط نستعلیق بسیار زیبا کتابت شده است.

۷) لیلی و مجنون اثر خانای قبادی / خان پاشای قبادی (۱۱۶۸ ۱۰۸۳ ه. ق.). از



مردمان شهر جوانرود در شمال باختری شهر کرمانشاه، در بر دارنده‌ی ۱۶۵۸ بیت ده هجایی که آن را در سال ۱۱۵۴ هجری به رشته‌ی نظم کشید. علاوه بر او عده‌ای دیگر از شاعران کُرد به گویش‌های سورانی و لکی نظیره‌های لیلی و مجنون نظامی را سروده‌اند ولی منظومه‌ی خانای قبادی از همه‌ی آن شیواتر و بلیغ‌تر است (صافی زاده بورکه‌یی، ۱۳۸۰: ۸۴، ۸۳).

۸) لیلی و مجنون شیخ احمد بن الیاس ملقب به «خانی» (احمد خانی) که در سال ۱۰۶۱ در بایزید (جنوب خاوری ترکیه امروزی و نزدیک وان) زاده شد. او علاوه بر لیلی و مجنون، منظومه‌های مَم و زین و یوسف و زلیخارا به نظم در آورد.

۹) مَم و زین اثر شیخ احمد بن الیاس خانی (احمدخانی) (شاعر سده‌ی هفدهم م. / یازدهم ه. که داستانی کهن در نوع حماسی عاشقانه با مایه‌ی تراژیک از ادبیات کردی است. او این منظومه را در ۲۶۵۵ بیت سرود که به شرح دل دادگی مَم (محمد) و زین (زینت) می‌پردازد. اگرچه سراینده داستانی از حماسه‌های کهن عاشقانه‌ی کُرد (مربوط به سده‌های ۱۴ و ۱۵ م.) را به نظم در آورده (شالیان، ۱۳۸۵: ۶۴۳) و اثر او نظیره‌ی لیلی و مجنون نظامی محسوب نمی‌شود، ولی وزن این منظومه را از لیلی و مجنون گرفته؛ یعنی: وزن «مفعول مفاعیلن فعولن» (هزج مسدس اُخرب مقبوض محذوف). بی‌هیچ‌گمانی، میان این افسانه‌ی کهن کردی و لیلی و مجنون نظامی شباهتهایی وجود دارد، اینکه در هر دو منظومه، ماجرای دو دل‌داده توصیف شده است که سوء تفاهم باعث می‌شود دلدادگان به وصال یکدیگر نرسند و با روی دادن فاجعه، یعنی کشته شدن مَم و زینت داستان پایان می‌پذیرد. از این رو شاعر وزنی را برگزیده که نظامی چندین سده پیش از او، آن را برای چنین داستانهایی (داستانهای تراژیک عاشقانه) برگزیده بوده.

بیت نخست این منظومه این است:

سه‌رنامه‌ی نامه به نام ئه‌لّاه بی‌نام ته ناته‌مامه، وه‌لّاه!

(خوانی، ۱۹۶۲: ۱۷)

۱۰) اسکندرنامه اثر خانای قبادی / خانای قبادی. (نک. صفی زاده بورکه یی، ۱۳۸۰: ۴۲۲)

۱۱) ساقی نامه ها. می دانیم که اگرچه نظامی آغازگر ساقی نامه سرایی نبوده، و ساقی نامه در واقع شاخه ای از «خمریه نامه»ها است که کهن ترین نمونه های این نوع فرعی را در خمریه ی رودکی و بشار مرغزی می توان یافت و اینکه پس از آن نیز می توان گفت فخر الدین اسد گرگانی (در ویس و رامین) نخستین بار ساقی نامه سرایی را در ادبیات فارسی آغاز کرد (انوشه، ۱۳۸۱: «ساقی نامه»)، بی هیچ گمان، نظامی در شرف نامه (بخش نخست از اسکندرنامه) یکی از بهترین نمونه های این نوع فرعی را در ادبیات فارسی پدید آورد. نظامی در مجموع ۵۵ ساقی نامه دو بیتی در این منظومه سروده است.

از شاعران کُرد ایران زمین ملاپیشان دینوری (۵۷ ۸۲۵ ه. ق.) ساقی نامه ای دارد که در میان مردم مقبولیت بسیار دارد. ساقی نامه در دیوان ملاپیشان موجود است. از دیوان او (پیشان نامه) در کتابخانه ی دایره المعارف اسلامی، دانشکده ی ادبیات دانشگاه تهران، مجلس، مرعشی نجفی، گلپایگانی قم، آستان حضرت معصومه (س) نسخه یا نسخه هایی نگهداری می شود.

در این ساقی نامه ی کردی، به گویش جنوبی (گویش کردی دینور و منطقه ی بیله وار)، تأثیر ساقی نامه ی حافظ و برخی مضمونهای غزلهای این «رند عالم سوز» بر این ساقی نامه شاید حتی بیشتر از ساقی نامه های اسکندرنامه (شرف نامه) نظامی است.

از دیگر شاعرانی که ساقی نامه سروده شیخ احمد بن الیاس (احمد خوانی) است که آن را به گویش کُردی کرمانجی (شمالی) سروده است. او ساقی نامه ی خویش را به یکی از اوزان عروضی (هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف: مفعول مفاعل فعولن/ وزن لیلی و مجنون نظامی) آفریده است. نمونه از ساقی نامه ی او را در ذیل می آوریم:

«ساقی تو ژه بو خودی که ره کهر یه ک جورعه ی مه ی د جام جهم کهر  
(ساقی! تو را به خدا کرمی کن / و یک جرعه از جام جم به من بده)

دا جام به مه‌ی جه‌هان نوما بی‌ت هه‌ر چی مه‌ نیراده‌یه خویا بی‌ت  
 (جامی که جهان‌نا باشد / و [هر اندازه] اراده‌کنم ظاهر شود)

به‌ختی مه‌ ژ بو مه‌ را ببت یار جاره‌ک بی‌تن ژ خاب هوشیار  
 (تا بخت با من یار شود / و از خواب [غفلت] هوشیار گردم)  
 (صافی زاده‌ی بورکه‌بی، ۱۳۸۰: ۶۰۸۹)

البته بخش قابل توجهی از منظومه‌های ساقی‌نامه‌ی کردی به وزن عروضی سروده نشده و نمی‌شود، بلکه بیشتر بر وزن هجایی (ده هجایی) آفریده شده و امروزه نیز خلق می‌شوند (نک. همان، ۵۰۷: «ساقی‌نامه»)

۱۳) هفت پیکر نظامی گویا زیاد توجه شاعران کُرد را به خود جلب نکرده، اما در شاهنامه‌های کردی داستان بهرام روایت شده است. یکی از روایتها که در زیر نقل می‌شود، اشاره به یافته شدن خانه‌ای شگفت که احتمالاً اشاره به همان تالاری دارد که بهرام در آن نگاره‌های هفت دختر هفت اقلیم را در آنجا می‌یابد:

«بنابه روایت شاهنامه‌ی کُردی، بهرام گور فرزند یزدگرد بزهکار است و پس از مرگ پدرش بر تخت اورنگ شهریاری ایران نشست و او بیشتر اوقاتش را در شکارگاهها می‌گذرانید و گور شکار می‌کرد. روزی در شکارگاه دهقانی به دیدارش آمد و گفت که در کشتزارش حفره‌ای به وجود آمده و همه‌ی آبها را می‌بلعد و گویا در آنجا گنجی پنهان است. بهرام گور دستور داد محل ... را کنند و دیدند در زیرزمین خانه‌ای به سان بهشت [وجود دارد]» (همان: ۲۴۲)

چنانکه در موارد بالا دیده می‌شود، شاعران کُرد، به ویژه کردهای استان کرمانشاه بیشتر از همه‌ی داستانهایی که نظامی به نظم در آورده، به خسرو و شیرین نظر داشته‌اند، با این تفاوت که در روایت ایشان علاوه بر تأثیر پذیری از نظامی، روایت‌های عامیانه و شفاهی منطقه‌ی کرمانشاهان بر ایشان تأثیر گذاشته است، دیگر اینکه در منظومه‌های ایشان نقش شخصیت فرهاد پررنگ‌تر است و عشق فرهاد و شیرین عشق واقعی توصیف شده است، نه عشق خسرو و شیرین.

### ۳- نتیجه‌گیری

برخی از شاعران کُرد زبان همچون شاعران در زبان فارسی، ترکی، پشتو، عربی و... به پنج گنج (خمس نظامی) توجه داشته‌اند. بی‌گمان این مسئله (توجه شاعران اقوام، ملت‌ها، خرده فرهنگها و فرهنگهای گوناگون به نظامی) نشانی از اهمیت این شاعر بزرگ ایرانی دارد. در میان پنج منظومه حماسی، شاعران کُرد بیشتر به خسرو و شیرین توجه داشته‌اند و بیشتر نظیره‌های ایشان، چنانکه در بالا ملاحظه می‌شود، نظیره‌های خسرو و شیرین محسوب می‌شوند. علت اینکه شاعران کُرد به این منظومه نظامی بیشتر از منظومه‌های دیگر توجه داشته و نظیره‌های آن را سروده‌اند، وجود منطقه‌ی تاریخی فرهنگی بیستون و قصر شیرین در کردستان بوده که حاکی از حضور همیشه گرم جریان دلدادگی فرهاد و شیرین در طول قرون متمادی تاریخ، در میان این مردم است. نقلهای شفاهی و گفتارهای مکتوب از داستان عشق شیرین و فرهاد، و خسرو و شیرین پس از دوره‌ی نظامی، و بی‌گمان پیش از او، در میان این مردم و تأثیر فرهنگ و ارزشهای خاص و معنوی این خطه بر روایت آن، داستان را به گونه‌ای گاه متفاوت نشان داده است تا جایی که نظیره‌های کُردی دارای داستانهای فرعی و بن‌مایه‌هایی هستند که آنها را در خسرو و شیرین نظامی نمی‌یابیم، در این میان می‌توان به اهمیت عشق فرهاد و شخصیت او در نگاه شاعران کُرد در نظیره‌هایشان اشاره کرد.

از میان مثنویهای دیگر نظامی، نظیره‌هایی از لیلی و مجنون و اسکندر نامه به زبان کُردی سروده شده، که هیچکدام مشهوریت و مقبولیت مثنوی خسرو و شیرین را در این زبان پیدا نکرده است. گویا شاعران کُرد با اسنادی که تا کنون در دست نگارنده است به مخزن الاسرار و هفت پیکر / بهرام نامه نظامی چندان توجهی نداشته‌اند و نظیره‌های این دو منظومه را سروده‌اند. آثاری هم که به زبان کُردی مربوط به روایت‌های پادشاهی و داستانهای دوران بهرام گور (بهرام پنجم ساسانی) دیده می‌شود، متأثر از شاهنامه‌های کُردی و شاهنامه‌ی فردوسی بوده است (نک. ش. ۱۳ همین مقاله)

از میان شاعران کُرد خانای قبادی سه مثنوی نظامی را (خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و اسکندرنامه) را نظیره گفته است؛ از اینرو می‌توان او را بزرگ‌ترین نظیره‌گوی آثار نظامی گنجوی در زبان کُردی دانست.

بیشتر این منظومه‌ها (شاید به جرأت بتوانیم بگوییم همه‌ی این منظومه‌های، زیرا منظومه‌ی مم و زین نیز در واقع نظیره‌ی لیلی و مجنون نظامی نیست و تنها وزن را از این منظومه‌ی نظامی اقتباس کرده) بر وزن هجایی اند که شعرهای کردی (به ویژه در منطقه‌ی کرمانشاهان: گویش کرمانجی جنوب) بیشتر به این وزن سروده می‌شود. این وزن از وزنهای کهن زبانهای ایرانی (از دوران پیش از اسلام) است. چنانکه می‌دانیم بخشهای کهن اوستا (گاهان و یشتها) هم به وزن هجایی سروده شده‌اند. در دوره‌ی پارسی میانه هم، شعرها بر وزن هجایی (از ۵ هجایی تا ۱۱ هجایی) سروده می‌شده که بیشتر شماره‌ی هجاها در هر مصراع آن اشعار تغییر ایجاد می‌شده است. البته در دوره‌ی نو (پس از اسلام) همه‌ی شعرهای کردی، در همه‌ی گویشها، به وزنهای هجایی سروده نشده، ولی بیشتر شعرهای کردی، به ویژه در گویشهای گورانی و گویشهای دیگر استان کرمانشاه و مناطق مجاور آن، متمایل به وزن هجایی بودند و هستند. این وزن در زبان کردی چنانکه ملاحظه شد از وزن شعرهای زبانهای ایرانی پیش از اسلام (گویشهای شمال غربی / مادی میانه) گرفته شده، اگرچه شاعرانی هم، به ویژه در دوره‌های متأخر، در حوزه‌ی ادبیات حضور داشتند که هم به وزن هجایی شعر سروده‌اند و هم به وزن عروضی. کهن‌ترین اینگونه شعرها در کردی در اشعار بزرگان یارسان (اهل حق) امروزه موجود است (در آثار منسوب به پهلول ماهی، بابا لره لرستانی، بارجب لرستانی، و...).

### پی‌نوشت‌ها

۱. درباره‌ی نظیره‌ها و آثاری که به تقلید و وزن خمسه‌ی نظامی سروده شده، نک. رادفر، ا.، ۱۳۷۱، ۲۰۵۳۶. احمدنژاد، ۱۳۷۵: ۴۶۷.
۲. از جمله: «گر مادر من رئیسه‌ی کُرد/ مادر صفتانه پیش من مُرد/ از لابه‌گری که را کنم یاد؟! / تا پیش من آردش به فریاد» (نظامی، ۱۳۸۵: ۳۷۸۹)
۳. این منظومه را قادر فتّاحی قاضی تدوین و گردآوری و در سال ۱۳۸۴ از سوی دانشگاه تبریز چاپ کرد.
۴. اشاره به امیرخسر و دهلوی، از بزرگ‌ترین نظیره‌گویان نظامی دارد و شاید اشاره‌ی دوری به حسن غزنوی هم داشته باشد.
۵. دستور: شیوه، روش، سبک و سیاق.
۶. شیرین وقتی فرهاد را اینگونه غرقه به خون می‌بیند، ساعتی حیران به نقش سنگها نگاه می‌کند و چهره‌اش را به تیشه‌ی کلنگ او نزدیک می‌کند و روی خورش را به روی فرهاد می‌مالد. شیرین به زنخدان خویش دست برد و آن خال روی غبغش را می‌کند و فیروزه‌ی بی‌گردبی مثال خود را بر کند و [روی به پیکر فرهاد] گفت: «اگر این زینت جام جمع است، و این خال هم موجب کشته شدن شاهزاده‌ی چین (= فرهاد) است، سرت را بردار، من شیرینم، و به سودای زخمت دلم آتش گرفته است. از پس فرهاد من خالم چنین است. کی می‌داند قیمت خالم چند است؟! برای چه کسی خالم را زینت دهم؟! و چه کسی برایم جامه‌ی خانه به دوشان را بپوشد؟! من که فرهاد را چنین غرقه به خون دیدم، خسرو به جهنم! تخت و بخت [او] به جهنم!» همینطور برای فرهاد شیون و زاری کرد و درد و محنت او بر دلش اثر کرد. شراره‌ی خون سرخ‌رنگ او (اشک خونینش) از چهره‌ی زرد لیموگونش سرازیر شد و یقه‌ی خویش را پاره کرد و با قیچی پیشانیش را پاره کرد. گفت: «هی غریب! بی‌خویشاوند و تنها! شاهزاده‌ی محبوب! ای که دلت مانند شیشه پاک است! هان! ای نتیجه‌ی خاقان چین! برای چی سر تا پا غرق به خونی؟! ای بی‌نام و نشان، ای غلطان خونم! که از بی‌کسی در پای بیستون مُردی! فدای نامت شوم، دلدار دیرینه... ای شاهزاده‌ی چینم، دادخواهم برای تو، صد جان شیرین به قربان تو! کدام کافر این دام را در راهت کند؟! برای چی کارت نیمه‌کاره ماند؟! مگر تو نمی‌دانی خسرو با افسون و نیرنگ به قصد سرنگونیت بود؟! مرگ برای

من بهتر است ای همراز دردم! تو را چنین از زادگاهت آورده کردم. تو برای من تخت شاهی را رها کردی. تو برای من راه بیستون را کندی. یه شرط من برای تو چقدر بود؟! از پس تو من چندان نخواهم زیست. شرط شد که رخت و لباس خویش را پاره کنم. شرط شد که خودم را با تیغ الماسی خلاص کنم. (این بیتها در شیرین و فه رهاد میرزا شفیع پاوه یی (ص ۴۷۸) هم آمده، اگرچه تفاوتی بین بیتهای این دو منظومه وجود دارد، ولی بیشتر بیتها در این بخش یکسان اند).

۷. تنها نکته ای که پرسش بر انگیز است، این است که مرحوم بابا مردوخ روحانی و سیده‌ی محمد حسینی تاریخ تولد میرزا شفیع را ۱۳۲۰ هـ.ق. دانسته اند، در حالی که خود شاعر در هیمن منظومه شیرین و فه رهاد گفته: «تاریخ گوفتار به نده ی مه ینه ت بار/ هه زار و یه کسه دهه شتاد و چه هار» (پاوه یی، ۱۳۸۳: ۹۲) که اگر اشتباه کاتب نباشد، تاریخ تولد شاعر چند دهه به عقب می رود.

۸. نگارنده یکی از روایتها را از کریم جوانمیری، پیرمردی از روستاهای اطراف سنندج شنیده که کاملاً با روایت میرزا شفیع پاوه یی تا نیمه داستان که فرهاد خود را می کشد تطابق دارد و این مسئله نشان می دهد که روایتهای عامیانه‌ی شیرین و فرهاد در مناطق غرب ایران (به ویژه در منطقه‌ی هورامان و اطراف آن) رواج داشته و دارد و به احتمال زیاد میرزا شفیع نیز از این منابع شفاهی عامیانه در سرایش منظومه شیرین و فرهاد خود استفاده کرده است.

۹. کندوله از ده های بخش بیلوار، شهرستان کرمانشاه است.

۱۰. گرا: راهدار خسرو پرویز که سیه چرده و حبشی بوده، در شیرین و فرهاد میرزا شفیع هم شخصیت او آمده و بسیار منفی و زشت توصیف شده است.

۱۱. شاعر این منظومه در پایان آن چنین سروده: «رنجمان مدن و یاد با جوش [؟]/ الماس ژ خاطر مکر فراموش» (برگ ۲۱۳ نسخه‌ی خطی دانشگاه تهران)

www.aghabozorg.ir . ۱۲

۱۳. «بیار ای ویس جام خسروانی/ درومی چون رخانت ارغوانی چو از دست تو گیرم جام مستی/ مرا مستی نیارد هیچ سستی ندانم مست چون گشتم به کامت/ ز رویت یاز مه‌رت یاز جامت...» (فخرالدین اسد گرگانی، ۱۳۸۶: ۱۵۷)؛ «بیار ای ماه جام نوش گلگون/ چو رویت لعل چون وصلت همایون نه خوشتر زین بؤدمان روزگاری/ نه نیکوتر ز رویت نوبهاری...» (همان: ۱۹۱)

۱۴. صفی زاده در این بخش «هرچی» به کار برده اند که بهتر است «هراندازه» معنی کنیم زیرا در کردی در این معنی به کار می رود.

۱۵. Syllabi poem / quantitative (وزن هجایی / وزن کَمّی)

۱۶. برای مثال درباره‌ی وزن شعر در زبان کُردی آثار ادبی - مدعی یزیدیان نک.

۱۷. Iranica ۹. Philip G. Kreyenbroek & Khalil Jindy Rashow. God and Sheikh Adi are perfect, Sacred Poems and Religious Narratives from the Yezidi Tradition, Harrasowitz Verlag, p. ۵۳

۱۸. از جمله قسمت اعظم اشعار سید یعقوب ماهیدشتی و سید صالح ماهیدشتی

(حیرانعلی شاه)



## منابع

۱. احمدنژاد، کامل (۱۳۷۵)، تحلیل آثار نظامی گنجوی، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی و انتشاراتی پایا.
۲. الماس (بی‌تا)، شیرین و فرهاد، نسخه‌ی خطی متعلق به کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، به شماره‌ی ۴۷۷۲.
۳. [الماس] (بی‌تا)، شیرین و فرهاد، نسخه‌ی خطی متعلق به کتابخانه‌ی مجلس، به شماره‌ی ۵۸۰.
۴. پاوه‌ای، شفیع (۱۳۸۳)، شیرین و فرهاد، تصحیح و بازنویسی سید محمد حسینی، تهران: توگلی.
۵. تفضلی، احمد (۱۳۷۶)، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران: سخن.
۶. خانای قبادی (۱۳۶۹)، خسرو و شیرین خانای قبادی، ویراسته‌ی صدیق زاده (بورکه‌یی)، تهران: حیدری.
۷. خانای، احمد (۱۹۶۲)، مم و زین، تصحیح و ترجمه و مقدمه م. ب. رودنکو، مسکو: نشر خانای ادبیات روهلاتی (نشر خانای ادبیات خاور).
۸. درایتی، مصطفی (۱۳۸۹)، فهرستواره‌ی دست نوشته‌های ایران، تهران: موزه و مرکز اسناد مجلس، ۱۲ ج.
۹. رادفر، ابوالقاسم (۱۳۷۱)، کتابشناسی نظامی گنجوی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۰. ریپکا، یان (۱۳۷۹)، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه‌ی کیخسرو کشاورزی، [بی‌جا] انتشارات گوتنبرگ و جاویدان خرد.
۱۱. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳)، پیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد، تهران: سخن.
۱۲. صفی زاده بورکه‌یی، صدیق (۱۳۸۰)، دایره‌المعارف کردی، تهران: پلیکان.
۱۳. صفی زاده بورکه‌یی، صدیق (۱۳۸۷)، اهل حق، پیران و مشاهیر، تهران: حروفیه.
۱۴. شالیان، ژرار (۱۳۸۵)، گنجینه‌ی حماسه‌های جهان، ترجمه‌ی علی اصغر سعیدی، تهران: چشمه.
۱۵. فخرالدین اسد گرگانی (۱۳۸۶)، ویس و رامین، مقدمه و تصحیح و تحشیه

محمد روشن، تهران: صدای معاصر

۱۶. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، شاهنامه‌ی فردوسی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.

۱۷. کندوله‌ای، الماس خان (۱۳۷۳)، شیرین و فرهاد، تصحیح و مقابله و شرح احوال امین گجری (شاهو)، قم: سینا.

۱۸. مردوخ روحانی، بابا (۱۳۸۲)، تاریخ مشاهیر کرد، تهران: سروش.

۱۹. نظامی، الیاس (۱۳۸۵)، خمسه‌ی نظامی، بر اساس چاپ مسکو باکو، تهران:

هرمس